

تأثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ بر عملکرد بیمه



افزایش آگاهی افراد در مورد نحوه پرداخت و افشای قراردادهای بیمه از جمله اهداف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ است که جایگزین استاندارد بین‌المللی گزارشگری شماره ۴ خواهد شد.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ اصول شناسایی، اندازه‌گیری، پیشگیری و افشای قراردادهای بیمه در

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ با عنوان «قراردادهای بیمه» اولین استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای قراردادهای بیمه است که در سال ۲۰۲۱ اجرایی می‌شود و سپس استفاده از رویکردی یکنواخت برای در نظر گرفتن قراردادهای بیمه، به جای استفاده از خیل رویکردهای مختلف که امروزه به کار می‌رود، الزامی خواهد شد.

مترجمان:



زهرا یارمحمدی



دکتر علی هدایتی

دامنه کاربرد استاندارد را تعیین می‌کند. هدف از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ این است که اطمینان حاصل شود که نهادها اطلاعات مرتبط مورد نیاز که به صورت صادقانه، نمایانگر و معرف این قراردادها باشد را ارائه کند. این اطلاعات مبنایی را برای کاربران صورت‌های مالی جهت ارزیابی تأثیر قراردادهای بیمه بر وضعیت مالی شرکت، عملکرد مالی و جریان‌های نقدی فراهم می‌کند. الکس فورمن^۲ (عضو پیوسته انجمن حسابداران خبره انگلستان (ACCA) می‌گوید:

تأثیر «استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱» بر عملکرد بیمه‌ها چیزی غیر از استاندارد خواهد بود.

اهداف

هدف از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ «قراردادهای بیمه» که در ماه می ۲۰۱۶ صادر شد همسان‌سازی نحوه عمل حسابداری با صنعت، برای افزایش درک و مشاهده عملکرد شرکت‌های بیمه بود.

رایزنی‌های اخیر هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای پیشنهاد اصلاحیه استاندارد، با توجه به نگرانی ذی‌نفع‌ها به این معنی است که تاریخ اجرای آن احتمالاً به ژانویه ۲۰۲۲ بازگردانده می‌شود و به بیمه‌گذاران زمان بیشتری برای رویارویی با تغییرات می‌دهد.

تغییرات در گزارشگری داخلی

میزان این تغییرات مربوط به گزارشگری داخلی، بسته به ریسک‌هایی که پذیرفته‌اند و مدل عملیاتی موجود در آنها (تعامل داده‌ها، سیستم‌ها، فرایندها و افراد) از یک بیمه‌گر به بیمه‌گر دیگر،

متفاوت خواهد بود.

فرضیات:

هنگامی که استاندارد در حال نهایی شدن بود حدس و گمان‌های زیادی در مورد تأثیر احتمالی آن وجود داشت. بیایید چهار فرضیه را بررسی کنیم. درست یا غلط؟

فرضیه اول

اولین فرضیه این بود که استاندارد

گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ بیان می‌کند که داده‌های «قرارداد بیمه» باید بر اساس پرتفوی‌ها، گروه‌بندی سالانه^۳ و سودآوری تقسیم شود. در حالی که سیستم‌های مدیریتی که سیستم مالی را تغذیه می‌کنند، اغلب سال وقوع فروش را ثبت می‌کنند، گروه‌بندی مورد نیاز ممکن است منجر به دریافت اطلاعات اضافی در مراحل پیش رو شود و این سیستم‌های مدیریتی ممکن است نیاز به اصلاح هزینه یا حتی اجرای مجدد



داشته باشند.

استاندارد حکم می‌کند که قراردادها باید بر اساس نوع ریسک و نحوه مدیریت آن توسط واحد تجاری، هنگام تصمیم‌گیری در مورد پرتفوی آنها، گروه‌بندی شوند. با این حال، تقریباً این گروه‌بندی برای گزارش‌های داخلی در پایین دست انجام می‌پذیرد. ثبت اطلاعات کافی معمولاً در سیستم پذیره‌نویسی/ادعاها^۴ موجود است.

فرضیه دوم

فرضیه دوم این بود که به دلیل ساده

بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ به تغییرات اساسی در ثبت و تجزیه و تحلیل داده‌ها در سیستم‌های بالادستی نیاز دارد. که نادرستی این فرضیه به اثبات رسیده است.

تمام عملکردهای تجاری، یک خروجی تولید می‌کنند. در مورد امور مالی، این اغلب به صورت گزارش‌های عددی همراه با تفسیر است. لازمه این امر، فرایند گرفتن داده‌های خام و تبدیل آنها به اطلاعات است که توسط افراد ماهر تفسیر شود. استاندارد بین‌المللی

شدن رویکرد تخصیص حق بیمه، بیمه‌گرهای عمومی تحت تأثیر قرار نخواهند گرفت. این فرضیه هم مردود است. اگرچه بدهی مربوط به پوشش باقیمانده^۵ به‌طور اساسی همانند استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۴^۶ باقی‌مانده است، اما اصول محاسبه بدهی ادعاهای ایجاد شده، معمولاً متفاوت است.

ورودی‌های جدید مورد نیاز است که خودشان خروجی یک سری سلسله محاسبات باشند؛ به‌خصوص در مورد نرخ تنزیل و تعدیل ریسک برای جریان‌های نقدی مورد انتظار. البته موارد نام برده شده یا معادل آنها که قبلاً استفاده شده‌اند، غالباً با آنچه در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ لازم است متفاوت است. در نتیجه برای

تعیین آنها به فرآیندهای جدید و به‌طور بالقوه پشتیبانی سیستم نیاز دارند. نرخ تنزیل ممکن است به منحنی‌های عملکرد جدید نیاز داشته باشد. صرف نقدینگی^۷ باید در فواصل منظم محاسبه و اعمال شود.

مؤلفه‌های تأثیرگذار در تعیین تعدیلات ریسک نسبت به مقررات تنظیم‌کننده کنونی و معادل آنها می‌تواند متنوع و گسترده باشد.

فرضیه سوم

فرض سوم این است که به منظور به‌هم‌پیوستگی و نزدیکی استانداردهای حسابداری و رویکردهای عمل‌گرایانه، به مهندسی مجدد پروسه‌های مالی نیاز است. مجدداً این فرض نیز غلط است. بسیاری از عملکردهای مالی، بین

حسابداران که با حسابداری برای حق بیمه‌ها و ادعاهای مربوطه سر و کار دارند و آماریست‌ها که بدهی مربوط به ادعاهای کسب و کار کوتاه مدت یا بدهی بلند مدت کسب و کار را به‌صورت ادواری محاسبه می‌کنند^۸، تقسیم می‌شود. به‌طور معمول، این عمل به‌صورت سه ماهه یا شش ماهه توسط افراد درون‌سازمانی همراه با یک گزارش کامل در پایان سال انجام می‌شود.

با استفاده از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ جریان‌های نقدی مورد انتظار بیشتری به کار گرفته می‌شوند، همراه با جریان‌های تحقق یافته در صورت سود و زیان هر دوره. هر دوره گزارشگری مستلزم معکوس کردن نرخ تنزیل^۹ (طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۷۱ ذخایر، بدهی احتمالی و دارایی احتمالی ارزش اسمی بدهی‌های بلند مدت با استفاده از نرخ تنزیل کوچک شده و به ارزش فعلی گزارش می‌شود، این عمل را در اصطلاح بستن و کوچک کردن می‌گویند. در هر دوره گزارشگری با استفاده از روش نرخ بهره مؤثر ارزش فعلی، اصطلاحاً باز شده است و هزینه مالی مربوطه شناسایی می‌شود تا در سررسید ارزش فعلی و اسمی با هم برابر شوند.^{۱۰}) و شناسایی سود معوق بدست آمده برای آن دوره است. اکثر این حرکات، فرمولی هستند و می‌توانند به نحو خودکار و تکراری، به‌صورت دوره‌ای ثبت‌های دفتر روزنامه به دفتر کل انتقال یابند. لازم به ذکر است روند پایان ماه به‌طور اساسی تغییر نمی‌کند.

ارزیابی و اندازه‌گیری مجدد احتمالی جریان‌های نقدی سرمایه‌ای شده در ترازنامه، به‌منظور تعدیل جریان‌های نقدی واقعی و مورد انتظار، می‌تواند



به صورت فصلی یا با تناوب کمتر، تکرار شود. بنابراین، اگرچه ممکن است ماهیت محاسبات تغییر کند اما تغییر فعالیتها و ترتیب آنها بعید به نظر می‌رسد.

فرضیه چهارم

و در آخر، فرضیه نهایی بیان می‌دارد که تغییرات اساسی در سیستم‌های پایین دست ایجاد خواهد شد. این فرضیه درست است. همه بیمه‌ها به تغییر و سرمایه‌گذاری در سیستم‌های خود نیاز خواهند داشت. این کار از محاسبه جریان‌ات نقدی برای گروه‌های قراردادی، تعیین تعدیل ریسک برای آن جریان‌های نقدی و در نتیجه سود معوق «حاشیه فروش خدمات قراردادی»^{۱۱} آغاز می‌شود. پس از آن هریک از اجزای بالا باید در زمان شروع قرارداد ثبت شود. این مانده‌ها و تغییرات باید به ثبت‌های دو طرفه حسابداری تبدیل شده است و به حساب‌های اسمی جدید در دفتر کل منتقل شوند.

سازمان‌ها با انتخاب‌های مختلفی از نظر نحوه محاسبه و ردیابی «حاشیه فروش خدمات قراردادی» روبرو هستند. معمولاً اولین نقطه شروع، ابزار محاسبه آماری بدهی است، با اصلاحات یا به روزرسانی که برای محاسبه اجزای سازنده که منجر به «حاشیه فروش خدمات قراردادی» می‌شود.

بعضی از ارائه‌دهندگان، خدمات خود را در این زمینه گسترش می‌دهند و این می‌تواند برای بیمه‌هایی که به هر حال به روزرسانی می‌کنند جذاب باشد. کسانی که هنوز از حافظه و فضای ابری استفاده نمی‌کنند ممکن است از نظر ظرفیت ذخیره‌سازی مشکل داشته باشند یا بخواهند از یک فضای ذخیره‌سازی داده موجود برای ذخیره و بازیابی استفاده کنند. یک انبار داده فقط همین است و یک موتور محاسبه از نوع مورد نیاز استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی

شماره ۱۷۱ نیست.

به جای تغییر بیش از حد ابزار محاسباتی، ممکن است که بسته‌هایی میان‌افزار خریداری شود، تا جریان‌های نقدی را دریافت و محاسبات لازم را انجام دهند. این گزینه برای بیمه‌گرهای بزرگتر که ممکن است ابزارهای عملگرای زیادی داشته باشند جذاب‌تر است و شاید بخواهند داده‌ها را قبل از ارسال به دفتر کل ادغام کنند. این نرم‌افزارها معمولاً ثبت دو طرفه لازم برای دفتر کل را ایجاد می‌کنند. البته باز هم ممکن است ذخیره‌سازی یک مشکل باشد.

به طرز شگفت‌انگیزی تعداد کمی از سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع مالی یا سازمانی^{۱۲} دارای یک زیرمجموعه هستند تا یک راه حل یکپارچه‌تر از آن چیزی که در میان‌افزار^{۱۳} موجود است ارائه دهند. استراتژی فناوری اطلاعات^{۱۴} و معماری موجود ممکن است تعیین کند که کدام نوع راه حل بهتری است.

پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ بیمه‌کنندگان را ملزم می‌کند به تمامی جنبه‌های مالی سیستم بیمه توجه کند و با اصلاح سیاست‌های حسابداری، حالتی منسجم را برای بخش مالی پدید می‌آورد که از دوباره‌کاری پرهیز می‌کند.^{۱۵}

مسیر رسیدن به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷۱ مسیری طولانی خواهد بود. تأثیر عملی، بیشتر از آنچه در ابتدای مسیر تصور می‌شد، محدود به عملکرد مالی است و بیشتر اندازه‌گیری‌ها را تغییر می‌دهد تا مبانی آنچه حسابداران و آماريست‌ها، انجام می‌دهند. اگرچه هر راه‌حلی وابسته به فناوری اطلاعات خواهد بود.

بدون شک زمانی که هدف آشکار شود،

مسیر این استاندارد همچنان شگفتی‌آور است. ■

منبع:

- Alex Foreman-Peck FCCA
<https://www.accaglobal.com/vn/en/member/discover/cpd-articles/corporate-reporting/ifrs17cpd-nov19.html>

- مقاله مروری بر استاندارد IFRS17 به نویسندگی دکتر محمد باقرآبادی و کوروش شاپان

- 1- IFRS17
- 2- Alex Foreman-Peck FCCA
- 3- annual cohort
- 4- underwriting/claims systems
- 5- remaining coverage
- 6- IFRS 4
- 7- illiquidity premium
- 8- light touch'
- 9- unwinding
- ۱۰- مترجم
- 11- contractual service margin (CSM)
- 12- enterprise resource planning (ERP)
- 13- middleware
- 14- IT

۱۵- مترجم

دکتر علی هدایتی: عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان ACCA، منتور رسمی دانشگاه آکسفورد بروکس انگلستان عضو کارگروه روابط بین‌الملل انجمن حسابداران خبره ایران
زهرا یارمحمدی: کارشناس حسابداری